

الان بحثی که پس از کشته شدن ملاختر منصور، رهبر سابق طالبان مطرح است بحث چشم‌انداز مذاکرات صلح افغانستان است.
برخی معتقدند با مرگ منصور روند مذاکرات صلح افغانستان دچار وقفه خواهد شد و از آنجا که رهبر جدید طالبان هم در یک پیام صوتی از هر گونه سهم گرفتن در روند صلح امتناع و تأکید کرد که طالبان هیچ‌گاه سر تعظیم فرود نمی‌آورد و با مذاکرات صلح موافقت نمی‌کند به همین منظور آینده مذاکرات صلح در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.
با روی کار آمدن رهبر جدید طالبان، شما چشم‌انداز مذاکرات صلح را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با مرگ ملاختر منصور آیا طالبان به سمت مقابله و رویارویی جدی با دولت مرکزی پیش خواهد رفت یا روند صلح را در پیش خواهد گرفت؟

مدت زمانی که از مذاکرات صلح افغانستان با طالبان می‌گذرد چه در زمان ملاعمر و چه در زمان ملامنصور ما هنوز اعلامی از تصمیم طالبان برای صلح مشاهده نکرده‌ایم. اگر چه دولت افغانستان همواره به دنبال این بوده که صلح ایجاد شود و گفته که طالبان دست از اقدام مسلحانه برداشته و به پای میز مذاکره بیاید و در امور سیاسی افغانستان مشارکت داشته باشد اما در مواقع مختلف دیدیم که به جای مذاکره حملات طالبان در ابعاد مختلف شدیدتر شده است. زمانی که مذاکرات صلح در جریان بوده، عملیات طالبان با شدت تمام انجام گرفته است و این مسئله نشان می‌دهد که عزم جدی برای صلح از طرف طالبان وجود ندارد. به نظر من، در شرایط فعلی هم به نظر نمی‌رسد این گروه از جنگ و مقابله با دولت افغانستان دست بردارد.

اکثر صاحب‌نظران در منطقه و افغانستان معتقدند طالبان یک گروه مشخص و مستقل نیست که به فکر منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی افغانستان و به دنبال آینده کشور باشد و برای دستیابی به این آینده از روند صلح استفاده کند بلکه پشت پرده دست‌های دیگری قرار دارد که مانع از محقق شدن صلح می‌شود و از طالبان بر اساس منافع خودشان علیه مردم و دولت افغانستان سوء استفاده می‌کند.

منظور تان از دست‌های پشت‌ت پرده کیست؟ پاکستان است؟

بله، در پشت قیاضی جنگ در داخل افغانستان، پاکستان قرار دارد و از گذشته این موضوع آشکار بوده است و دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی هم این مسئله را می‌دانند. گروه‌ها و جریانات مختلف افغانستان این مسئله را کاملاً در کم می‌کنند که طرف اصلی جنگ افغانستان، پاکستان است و با اینکه پاکستان بارها اعلام کرده که در جنگ افغانستان دخالت ندارد و نسبت به طالبان تسلطی ندارد اما مرگ ملاختر منصور در داخل خاک پاکستان آن را با داشتن پاسپورت پاکستانی کاملاً مشخص می‌کند که به هر حال طالبان در درون خاک پاکستان آزادانه فعالیت دارند و قطعاً مورد حمایت سرویس امنیتی پاکستان است «آی‌اس‌آی» هستند و باز هم در راستای جهت‌دهی طالبان اقدام خواهند کرد.

با انتخاب رهبر جدید طالبان بار دیگر خبرهایی مبنی بر اختلاف و انشقاق در بدنه این گروه به گوش می‌رسد و عده‌ای می‌گویند که مرگ منصور ضربه بزرگی به طالبان پدو سبب تضعیف این گروه خواهد شد. همچنان که «ملامحمد رسول» رهبر شاخه انشعابی طالبان مخالفت خود را با انتخاب هیبت‌الله اخوندزاده اعلام کرده و گفته که او محبوبیت و مقبولیتی در بین مردم افغانستان ندارد. از طرفی، شاخه‌ای از اعضای طالبان تحت فرمان «ملا یعقوب فرزند ملامحمد عمر هستند و اختلافاتی بین این گروه‌ها وجود دارد. به نظر تان با مرگ ملا منصور اختلافات در بدنه طالبان تشدید خواهد شد یا این گروه مثل سابق متحد می‌شود؟

بستگی دارد که طالبان چه مقدار برای اهداف خارجی مطلوب باشد و به چه میزان مورد استفاده آنها قرار گیرد. اگر پاکستان سایر کشورهایی که در مسائل افغانستان نقش دارند احساس کنند می‌توانند از طالبان استفاده کنند سعی خواهند کرد به نحوی بازدهی این گروه را افزایش دهند و آن را حمایت کنند و در ابعاد مختلف روی چارچوب‌های سیاسی و نظامی طالبان کار صورت گیرد و در داخل افغانستان فعال نگه داشته شود. اما اگر این احساس در آنها به وجود بیاید که از طریق طالبان نمی‌توانند به اهدافشان برسند، ممکن است در راستای تضعیف این جریان گام بردارند و از طرفی، احتمالاً در جهت تقویت گروه تروریستی داعش فعالیتی جدی را شروع خواهند کرد و حتی از نام طالبان برای ایجاد پوشش جهت فعال ساختن داعش استفاده کنند.

خیلی‌ها می‌گویند ملا منصور وابسته به پاکستان بود و دستورات اسلام‌آباد را اجرا می‌کرد. حتی برخی معتقدند که عدم حضور منصور در مذاکرات صلح نیز بنا به دستور پاکستان انجام شده است. این فرض تا چه حد در سنت است؟ نسبت رهبر جدید طالبان با پاکستان چطور خواهد بود. آیا او نیز همچون ملا منصور گوش به فرمان پاکستان خواهد بود یا مستقل از حامی خود عمل خواهد کرد؟

از زمانی که حکومت طالبان در افغانستان سرنگون شد صحبت‌هایی در این زمینه وجود داشت و برخی معتقد بودند که «ملا محمد عمر» رهبر سابق طالبان در داخل خاک افغانستان فعالیت می‌کند و وابسته به پاکستان نیست و گروه‌های دیگری از بدنه طالبان جانشانند و آنها هستند که از سوی پاکستان حمایت می‌شوند. اما در ادامه دیدیم که این موضوع هم صحت ندارد چرا که گزارش‌ها و اخبار منتشر شده نشان می‌دهد که خود ملاعمر در داخل پاکستان بوده و در آنجا حضور داشته است. به هر حال، در شرایط موجود اگر چه چنین برداشت‌هایی وجود دارد اما به نظر من بعید است در داخل افغانستان گروهی که عملیات‌های تروریستی گسترده‌ای را انجام می‌دهد بتواند مستقل از کشورهای خارجی عمل کند. با توجه به عملیات گسترده تروریستی که در شهرهای مختلف افغانستان و با صرف هزینه‌های زیاد انجام می‌شود این دیدگاه را تضعیف می‌کند که طالبان مستقل باشد تا بتواند جنگ‌های گسترده‌ای را سازمان دهد و عملیات تروریستی را در داخل شهرها هدایت

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۹۹



گفت‌وگو با سیدعیسی حسینی مزاری، مدیرمسئول خبرگزاری صدای افغان

ترکیب مذاکرات صلح افغانستان باید تغییر کند

حضور ایران، هند و روسیه، بازدهی مذاکرات صلح را بیشتر می‌کند

■ **روح‌الله صالحی**

با کشته شدن «ملاختر منصور»، طالبان افغانستان نیز وارد مراحل پیچیده‌ای شده که می‌تواند روند مذاکرات صلح با دولت کابل را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر بروز شکاف‌های درون گروهی، قرار گرفتن عناصر تندرو در رأس این گروه نیز آینده طالبان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. هم‌زمان با تلاش‌های بین‌المللی و نهایی شدن توافقنامه صلح بین دولت کابل و حزب اسلامی حکمتیار، کشته‌شدن ملاختر منصور، رهبر سابق طالبان بار دیگر روند مذاکرات صلح با طالبان را با دشواری روبه‌رو ساخته است. با مخالفت «هیبت‌الله اخوندزاده» رهبر جدید طالبان برای بیوستن به مذاکرات صلح افغانستان، به نظر می‌رسد، تعلیق مذاکرات صلح با طالبان تأمین امنیت و ثبات را پیچیده‌تر خواهد کرد. حجت‌الاسلام سیدعیسی حسینی مزاری، مدیر مسئول خبرگزاری صدای افغان می‌گوید: «حملات طالبان نشان می‌دهد که این گروه عزم جدی برای مذاکرات صلح ندارد و در شرایط فعلی هم به نظر نمی‌رسد این گروه دست از جنگ و مقابله با دولت افغانستان بردارد، چرا که پشت

و رهبری کند.

در ماه‌های اخیر مقامات دولت افغانستان گفته‌اند روسیه، ایران و هند نیز باید به روند مذاکرات چهار جانبه صلح اضافه شوند. با توجه به تحولات جدید، چشم‌انداز تغییر ترکیب مذاکرات صلح چقدر است؟ آیا دولت افغانستان هم با تغییر ترکیب مذاکرات صلح موافق است؟

دید ما از گذشته همین مطلب بود و زمانی که بحث حضور و ترکیه مطرح بود در مصاحبه‌های مختلفی گفتیم که حضور کشورهایی مثل ایران در روند مذاکرات صلح خیلی مؤثر است و افغانستان به جای ترکیه و قطر که نمی‌توانند نقش اثرگذاری داشته باشندد ایران را جایگزین کند. طبیعی است که در منطقه در مرحله اول ایران از جایگاه بسیار بالا و تأثیر گذاری برخوردار است. از طرفی، هند هم در مسائل داخلی افغانستان نقش مهمی ایفا می‌کند و در مباحث سیاسی و در عرصه‌های اقتصادی و مسائل فرهنگی افغانستان نقش بسزایی دارد. از سوی دیگر، جای شکی نیست که روسیه هم در منطقه از اقتدار بالایی برخوردار است و اگر این سه کشور در روند مذاکرات صلح افغانستان حضور داشته باشند مطمئناً ما بازدهی بالایی در مذاکرات صلح خواهیم داشت و اگر صلح واقعی هم محقق شود این صلح زودتر از زمانی برقرار خواهد شد که ما در غیاب ایران، روسیه و هند روند صلح را پیگیری کنیم.

با توجه به اینکه پاکستان مخالف حضور هند در مذاکرات صلح است در صورت ورود احتمالی هند به چارچوب مذاکرات صلح افغانستان، واکنش پاکستان چه خواهد بود؟

برده دست‌های دیگری قرار دارد که مانع از محقق شدن صلح در افغانستان می‌شود و از طالبان برای تأمین منافع خودشان علیه مردم و دولت افغانستان سوءاستفاده می‌کند.» به گفته مزاری تأسیس پایگاه نظامی توسط امریکایی‌ها در خاک افغانستان نشان می‌دهد که امریکایی‌ها تصمیم به خروج از این کشور نداشته و بر نامه طولانی مدتی برای حضور در افغانستان دارند. برای بررسی تحولات افغانستان با مزاری به گفت‌وگو نشستیم.
او از سال ۱۳۵۷ در مبارزات سیاسی بوده و از سال ۱۳۶۱ وارد مبارزات جهادی علیه نیروهای شوروی شده است. مزاری از سال ۱۳۷۰ تشکیلاتی را با نام فعالیت‌های فرهنگی تیبان در خصوص در افغانستان است تأسیس کرد و اکنون ریاست آن را بر عهده دارد. روزنامه‌نامه‌اف نیز که یکی از معتبر ترین روزنامه‌های افغانستان است به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی مزاری چاپ می‌شود و علاوه بر همه اینها او نماینده تام‌الاختیار آیت‌الله مکارم شیرازی در کل افغانستان است.

طبیعی است که پاکستان به دنبال منافع ملی خودش است اما دولت افغانستان نباید به خواسته‌های پاکستان تن دهد. به نظر ما، افغانستان ضمن روند برقراری صلح و ادامه مذاکرات با پاکستان و با توجه به نقش کشوریایی مثل ایران، هند و روسیه باید ترکیب روند مذاکرات را تغییر دهد و این مسئله را از جدیت و از مجرای بین‌المللی پیگیری کند تا اینکه دولت پاکستان را تحت فشار قرار دهند. اگر دولت پاکستان تحت فشار قرار گیرد و دست‌رسی‌هایش به مسائل داخلی افغانستان و به گروه‌های داخلی افغانستان محدود شود قطعاً کمک زیادی به برقراری صلح زودرس خواهد کرد.

برخی کارشناسان معتقدند کشته شدن ملامنصور سبب تقویت داعش در افغانستان خواهد شد به خصوص که جایگاه گروه‌های تندروی مثل «شبکه حفاتی» تقویت شد است. شما چقدر این تحلیل را قبول دارید؟ آیا اصلاً طالبان با داعش سنخیتی دارد یا اینکه برای مقابله با دولت مرکزی افغانستان این دو گروه با یکدیگر همکاری خواهند داشت.

افغانستان بایستند و با آن مبارزه کنند از نظر ما در یک جبهه قرار دارند. من گمان نمی‌کنم که داعش در افغانستان بتواند خیلی بدتر از طالبان عمل کند، چرا که هر دو گروه کشتارهای مشابهی را انجام می‌دهند. چیزی که الان واضح است، اینکه داعش با این تفکری که دارد در افغانستان نمی‌تواند از جایگاهی برخوردار باشد چون مردم افغانستان به مبانی دینی خودشان پایبند هستند اما تفکرات داعش کاملاً بر خلاف افکار و عقاید شیعیان و اهل سنت است و از جایگاه بالایی برخوردار نیستند ولی صحبت‌هایی که در محافل افانستان مطرح است برخی عملیات‌هایی که در مناطق افغانستان به نام طالبان انجام می‌شود، در اصل از طرف داعش انجام می‌شود. همه این عملیات از سوی خارجی‌ها و به خصوص پاکستان حمایت می‌شوند و فرقی به حال روند کار گروه‌های تروریستی در داخل افغانستان نخواهد داشت.

پس از مرگ ملامنصور گزارش‌هایی منتشر شد که ایران با طالبان مذاکراتی (علیه داعش) داشته است. شما در این باره اطلاعاتی دارید؟

اطلاعات زیادی که طالبان مذاکراتی با ایران و روسیه داشته باشند فقط همان چیزی است که در رسانه‌ها مطرح شده است و متأسفانه منابع دیگری وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند. اما ممکن است طالبان برای کاهش وابستگی به پاکستان به دنبال مذاکره با روسیه و ایران باشد ولی منشأ و خاستگاه اصلی طالبان، پاکستان است.

همانطور که گفتید گزارش‌هایی درباره مذاکرات طالبان با روس یا نیز منتشر شده است. به جز رویارویی با داعش، منافع روسیه در این مذاکرات چیست؟



در این باره چیست؟

ما گفته‌ایم هر کشوری که با طالبان علیه داعش مذاکره کند اقدام اشتباهی است، زیرا زمانی که داعشی در افغانستان وجود نداشت طالبان با عنوان تهدید علیه کشورهای آسیای مرکزی مطرح بود و الان هم تهدید است و باید گفت که منافع روسیه از طریق مذاکره با طالبان و از طریق کمک کردن به این گروه در افغانستان تأمین نمی‌شود. در واقع، اگر ایران و روسیه سعی دارند که در افغانستان تحولی اساسی رخ دهد باید از دولت این کشور در مقابل گروه‌های تروریستی حمایت کنند و اجازه ندهند که هیچ یک از گروه‌های تروریستی در افغانستان رشد کنند. ارتباط روسیه با طالبان در حقیقت سبب تقویت طالبان می‌شود و این گروه در آینده تحت هیچ شرایطی قابل اعتماد برای منطقه و کشورهای همسایه نخواهد بود.

با توجه به ظهور داعش در افغانستان و رویارویی طالبان با داعش، ارتباط عربستان با طالبان چه وضعیتی دارد؟

اگر انتخاب نهایی عربستان، داعش باشد چنانچه در عراق و سوریه این انتخاب وجود دارد قطعاً رابطه عربستان با طالبان نیز تضعیف خواهد شد اما از آنجایی که داعش در افغانستان نمی‌تواند در آینده از جایگاهی برخوردار باشد برخلاف آن جایگاهی که در سوریه و عراق از آن برخوردار است عربستانی‌ها هم محتاط عمل می‌کنند و سعی نمی‌کنند به طور کامل طالبان را از دست بدهند و ارتباط خودشان را قطع کنند به احتمال زیاد عربستان با هر چهره و ترکیبی چه داعش یا طالبان به افغانستان توجه جدی و عمیقی دارد و قطعاً بعد از عراق و سوریه هدف بسیار عمده عربستان، افغانستان خواهد بود و هزینه‌های زیادی در افغانستان صرف می‌کند تا بنیاد افغانستان را تخریب و تضعیف کند. عربستان سعودی به دنبال این است تا دولت افغانستان تضعیف شود و سپس مسائل شیعه و سنی را در داخل این کشور ایجاد و گروه‌های تروریستی را تقویت کرده و افغانستان را با آشنگی مواجه سازد.

زلمای خلیلزاد، سفیر پیشین امریکادر افغانستان اخیراً گفته صبر و اشتگتن در برابر اسلام‌آباد لیریز شده است. گفته می‌شود هدف قرار دادن ملامنصور توسط هواپیمای امریکایی در خاک پاکستان نیز نوعی فشار بر اسلام‌آباد بوده است تا طالبان را وارد به مذاکره کند. امریکا اخیراً اعلام کرد فروش جنگنده‌های اف – ۱۶ به پاکستان را به حالت تعلیق در آورده و سر تاج عزیز، مشاور نخست‌وزیر پاکستان

اسلام‌آباد انجام نداد.

باید گفت روند همکاری امریکا و پاکستان ادامه‌دار است و مشکلی بین آنها وجود ندارد و اگر ادعای امریکایی‌ها صحت داشته باشد باید وارد عمل شده و پاکستان را ملزم کند گروه‌های تروریستی را حمایت نکند و مرزهای خود را به روی این گروه‌ها ببندد و در امور داخلی افغانستان دخالت نکند و حتی پاکستان در داخل افغانستان نیز برای مقابله با گروه‌های تروریستی همکاری کند اما متأسفانه ما چیز خاصی مشاهده نکرده‌ایم.

دلیل تغییر بر نامه زمانبندی خروج امریکایی‌ها از افغانستان چیست؟ در ماه‌های اخیر تحرکات امریکا در افغانستان تشدید شده و نه تنها قصد ندارد تیر و هایش در افغانستان را کاهش دهد بلکه به بهانه مقابله با طالبان و داعش صدها نیروی جدید به افغانستان اعزام کرده است. اخیراً ژنرال‌ها و مقامات سابق امریکا به باراک اوباما نامه نوشته‌اند که نبروهای امریکایی در افغانستان را به خاطر مسائل امنیتی کاهش ندهد. به نظر شما تحرکات جدید امریکادر چه راستایی انجام می‌شود؟

امریکا به افغانستان وارد نشده که از آن خارج شود و در همان ابتدا که بحث خروج نیروهای امریکایی و اعضاء پیمان امنیتی مطرح بود ما مخالف ادعای امریکا بودیم و به همه محافل داخلی هم اعلام می‌کردیم که امریکا علاوه‌ای به خروج از افغانستان ندارد و اقداماتی که در داخل افغانستان انجام می‌دهد از جمله تأسیس پایگاه نظامی نشان می‌دهد که امریکایی‌ها تصمیم به خروج از این کشور ندارند و برنامه طولانی مدتی برای حضور در افغانستان دارند برخی مقامات امریکایی اعلام کرده‌اند که جنگ در افغانستان حداقل ۵۰ سال ادامه خواهد داشت و به این معنی است که امریکایی‌ها در فکر حضور دائمی هستند و حتی اعزام نیروهای جدید امریکایی به افغانستان بعید نیست.

شما به عنوان عضو «حزب اسلامی تیبان» آیا برای مقابله با تهدیدات داعش با طالبان مذاکراتی داشته‌اید؟

خیر، ما مذاکراتی با طالبان علیه داعش نداشته‌ایم و صرفاً در راستای روشن کردن افکار مردم حرکت می‌کنیم. هرچند مسائلتقاداتی نسبت به دولت افغانستان داریم اما سعی می‌کنیم در عرصه‌های مختلف مذاکرات صلح و هم مقابله با گروه‌های تروریستی از دولت حمایت کنیم.

منافع ایجاد بندر چابهار که اخیراً قرار داد



همکاری آن بین رؤسای جمهوری ایران، افغانستان و هند امضا شد، برای سه کشور چیست؟

بیشترین منافع این قرار داد برای افغانستان است. افغانستان تا کنون تقریباً از نگاه اقتصادی و ارتباط دریایی نیازمند پاکستان بود و یکی از عوامل تسلط پاکستان بر افغانستان نیز همین مسئله بوده است. اگر این انحصار شکسته شود و مسیر افغانستان به دریا از طریق ایران باز شود وابستگی افغانستان به پاکستان کاهش خواهد یافت. چنانچه این راه هم نزدیک و هم ارزان است و از نگاه اقتصادی هم به نفع افغانستان است و از لحاظ سیاسی و نظامی هم در آینده به نفع این کشور تمام خواهد شد. از طرفی، زمینه‌های نزدیکی افغانستان به ایران را بیش از پیش فراهم می‌کند. هر چند این قرار داد اقتصادی است اما پیامدهای سیاسی و نظامی هم دارد و از این طریق افغانستان از آن‌وا خارج می‌شود و در آینده به نفع صلح و ثبات افغانستان خواهد بود.

بحث تغییر مسیر خط برق «توتاپ» که برق ترکمنستان را به پاکستان انتقال می‌داد و اعتراضاتی را در داخل افغانستان به وجود آورد، چقدر تحت تأثیر مسائل قومی است؟

من فکر نمی‌کنم در این مورد مسائل قومی خیلی مطرح باشد. اگر چه از سال‌ها پیش به مناطق دور دست نسبت به مناطق مرکزی اجحاف‌هایی از سوی همه جناح‌ها و سازمان‌ها صورت گرفته است، اما نمی‌توان گفت که تغییر مسیر خط توتاپ از منطقه «امبیان» به سمت «سالنگ» یک حرکت قومی باشد. به هر حال، دولت افغانستان مدعی است که این موضوع در زمان دولت حامد کرزای، رئیس جمهور سابق افغانستان انجام شده و دولت فعلی فقط آن را ابلاغ کرده است. بنابراین، در همان زمان انتقال خط برقی توتاپ از مسیر سالنگ تصویب شده است تا برقی از کابل به سمت سایر مناطق انتقال داده شود. برخی معتقدند این حرکت قومی بوده اما به نظر من بحث قومی در ایسن موضوع مطرح نیست، چنانچه الان بامیان و سایر ولایات اطراف با محرومیت شدید اقتصادی مواجه هستند و دولت افغانستان باید به همه این مسائل توجه کند.